

خبرها

دعوت فرانسوی ها از عکاسان ایرانی برای عکاسی از بناهای دوره استعماری

ایستنا: عکاس ایرانی به درباری کارائیب و جزیره مارتینیک در شمال فرانسه می رود تا ۵۶ بنای معماری سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ – دوره استعماری این منطقه – را عکاسی کند. نشریه «معماری امروز» در راستای انتشار مجموعه چند جلدی معماری فرانسه، نخستین بخش فعالیت خود را به جزیره «مارتینیک» اختصاص داده است. کامران عدل– معمار و عکاس ایرانی – این بناهای دوره استعماری فرانسه را در مدت دو ماء عکاسی می کند. «ژان دوسه» معمار و مولف مجموعه یادشده، در دومین مجلد این کتاب، به جزیره «گوادالوپ» می پردازد. این نشریه تخصصی معماری یکی از نشریات باسابقه و معتبر فرانسوی است. کامران عدل پیشتر معماری هند و کویت را برای بنیاد آقاخان عکاسی کرده بود.

«تناولی» و زینت اسب‌های عشایر در اسکاتلند

میراث خبر: پرویز تناولی مجسمه ساز و کارشناس بافته های عشایری ایران در کنفرانس یک‌روزه هنر و مشاغل که در اسکاتلند برگزار می شود، درباره نقش احشام در زندگی عشایری و تزئینات آنها سخنرانی می کند. همایش هنر و مشاغل بخشی از جشنواره بزرگی است که آگوست هر سال در ادینبرو پایتخت اسکاتلند برگزار می شود. تناولی درباره سخنرانی خود در همایش یک روزه دانشگاه ادینبرو توضیح می دهد: «این همایش توسط یک پژوهشگر ایرانی که عشایر ایران را مورد مطالعه قرار داده برگزار می شود و کارشناسانی از کشورهایی چون استرالیا که هنوز دارای عشایر کوچ رو هستند نیز در آن شرکت دارند. طبق هماهنگی های صورت گرفته با برگزار کنندگان این مراسم، درباره دست بافته هایی که برای تزئین اسب و شتر مورد استفاده قرار می گیرد، سخنرانی می کنم و ویژگی های هنری آنها را مورد بررسی قرار می دهم.»
جشنواره هنری ادینبرو از ۱۵ آگوست آغاز می شود و ۴ روز ادامه می یابد. فستیوال بین المللی ادینبرو، فستیوال هنر، فستیوال بین المللی کتاب و فستیوال فیلم از بخش های گوناگون این جشنواره هنری به شمار می آید. شرکت در این کنفرانس که مرکزی برای تمرین هنری، ارائه تئوری های هنری و تحقیق درباره آنها، مطالعه موزه ای و آموزش هنر به شمار می آید، برای عموم علاقه مندان آزاد است.

دلال تلفنی برای شاهکار ون گوگ ۶۰ میلیون دلار پرداخت

ایستنا: در بزرگ ترین حراج بازار امپرسیونیست دنیا در نیویورک، یک دلال تلفنی ستاره بی قید و شرط هنر دنیا را ۴۰ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار خریداری کرد. در نخستین حراجی های مهم بپاره هنر سه شنبه در مرکز کریستی، تابلوهای ون گوگ و پیکاسو تنها عامل ازدحام مردم بودند. این ازدحام در سراسر غروب این روز، هیچ شکی به جای نگذارد که بازار هنر امپرسیونیست و مدرن همچنان رو به رشد است. اما اغلب تنها دو رقیب بسیار جدی برای این آثار با ارزش وجود دارد. در این حراجی شش درخواست دهنده برای تابلوی «تیرا» اثر سال ۱۹۲۷ کاندینسکی به رقابت پرداختند و در انتها این تابلو از سوی یک درخواست کننده تلفنی به قیمت سه میلیون و ۸ هزار دلار فروخته شد. این در حالی است که رقم تخمینی اش یک میلیون و ۵۰۰ هزار دلار بود.

جشنواره کاریکاتور بهره‌وری

اولین جشنواره سراسری کاریکاتور با موضوع «بپهره‌وری» در این حوزه‌ها برگزار می‌شود: کنفرانژی، سرمایه، منابع فیزیکی (استفاده از جا و مکان. . . .)، منابع انسانی (نیروهای کارمندی، دانش ورزان و . . . و فناوری اطلاعات. آثار برگزیده در نمایشگاهی که روز اول خردادماه برگزار می‌شود، به نمایش درمی‌آید. آثار اسرائلی باید روی CD، با فرمت TIFF و dpi ۳۰۰ در ابعاد حداقل ۴×۴ و حداکثر ۳×۳ باشد. هر هنرمند می‌تواند سه اثر برای جشنواره بفرستد. آثار اسرائیلی مسترد نمی‌شود و برگزار کننده مجاز به انتشار و نمایش کاریکاتورها است. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن ۲۲۵۴۴۹۴ تماس بگیرید.

بازتاب

روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت ۸۵ در ستون گالری گردی درباره نمایشگاهی که در فرهنگسرای نیاوران برگزار شده بود به نقل از برپاکنده نمایشگاه نوشته بودیم که انجمن هنرمندان نقاش در برپایی این نمایشگاه همکاری داشته است. اما گویا چنین نبوده و انجمن هنرمندان نقاش توضیحی در این خصوص برای ما فرستاده است. در این نامه آمده است: «انجمن هنرمندان نقاش ایران که مطابق با بند ۳ قرارداد بسته شده با مدیر انجمن غیر دولتی، دفاع شهری تنها مرجع داوری بر آثار نمایشگاه صلح جهانی معرفی شده، تعداد ۵۷ اثر از آثار رسیده به فرهنگسرای نیاوران را لحاظ شاخص های بصری مورد تایید قرار دادند و باقی آثار را مردود شناختند که صورت جلسه آن به امضای هیات‌داوران موجود است. متأسفانه در نبود نمایندگان انجمن، خانم هما ناصری ظاهراً با قدرتی ورای رسومات و تعهدات مکتوب توانستند همه آثار ازجمله تمامی آثار [. . .] را در فرهنگسرای نیاوران به نمایش گذارند.»
انجمن هنرمندان نقاش در تایید تاکید کرده است که این نمایشگاه مورد تایید انجمن هنرمندان نقاش ایران نیست.

منبع: روزنامهٔ شرق

موسیقی و تجسمی



ناصر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

اثر هوشمندوزیری مجسمه‌ساز است

منبع: روزنامهٔ شرق

مردی مرکب از طبیعت

دیدار با ناصر هوشمندوزیری، مجسمه‌ساز و تاکسیدرمیست

سولماز نراقی

حیوانی که هستی‌اش تکرار لحظه حسرت است، با پوزه موفر و آروادهای مهیوت، روبه‌روی هنرمندی قرار گرفته که هستی‌اش، حسرت تکرار لحظه‌است. خانه‌این مرد پر است از سر و کله و پوست حیوانات وحشی، ده‌ها تابلوی نقاشی، مجسمه سنگی، سفالی و فلزی، صدها آفتابه مسی و هزاران خرت و پرت دیگر که به‌طرز غریبی داغ تنهایی فلسفی انسان را تازه می‌کنند. نیچه می‌گوید تنها از طریق هنر می‌توان بر دهشت زندگی غلبه کرد و خانه استاد «ناصر هوشمندوزیری» جایی‌است که دهشت زندگی در کنار نمونه‌هایی از غلبه بر آن جان انسان را تسخیر می‌کند. او متولد ۱۳۲۵ در همدان است. حرفه‌اش مجسمه‌سازی، تفتن‌اش تاکسیدرمی و تنها انحراف اخلاقی‌اش جمع‌آوری آفتابه‌است! او ۴۵۰ آفتابه مسی را در تمام نفس کش‌های خانه‌جا داده‌است و به ازای هر اثر هنری خود چندین آفتابه را نشان می‌دهد که از دور و نزدیک ایران گردآورده و با هیجان وصف‌ناپذیری از تجلی هنر ایرانی در «حتی مستراح» سخن می‌گوید و آرزو دارد که روزی بتواند موزه‌ای از آفتابه‌های مسی ایران بسازد.

مجله‌ساز برای موزه تاریخ طبیعی. تنها چاره‌اش این بود که کار موفر و آروادهای مهیوت، روبه‌روی هنرمندی قرار گرفته که هستی‌اش، حسرت تکرار لحظه‌است. خانه‌این مرد پر است از سر و کله و پوست حیوانات وحشی، ده‌ها تابلوی نقاشی، مجسمه سنگی، سفالی و فلزی، صدها آفتابه مسی و هزاران خرت و پرت دیگر که به‌طرز غریبی داغ تنهایی فلسفی انسان را تازه می‌کنند. نیچه می‌گوید تنها از طریق هنر می‌توان بر دهشت زندگی غلبه کرد و خانه استاد «ناصر هوشمندوزیری» جایی‌است که دهشت زندگی در کنار نمونه‌هایی از غلبه بر آن جان انسان را تسخیر می‌کند. او متولد ۱۳۲۵ در همدان است. حرفه‌اش مجسمه‌سازی، تفتن‌اش تاکسیدرمی و تنها انحراف اخلاقی‌اش جمع‌آوری آفتابه‌است! او ۴۵۰ آفتابه مسی را در تمام نفس کش‌های خانه‌جا داده‌است و به ازای هر اثر هنری خود چندین آفتابه را نشان می‌دهد که از دور و نزدیک ایران گردآورده و با هیجان وصف‌ناپذیری از تجلی هنر ایرانی در «حتی مستراح» سخن می‌گوید و آرزو دارد که روزی بتواند موزه‌ای از آفتابه‌های مسی ایران بسازد. مجسمه‌فردوسی، رستم و سهراب، ستارخان، شهريار و پرواز عقاب در پارک جمشیدیه، در پاک ملت آبنمای دو کبوتر، در پارک ساعی مجسمه‌های حیوانات و چندین و چند مجسمه دیگر در موزه تاریخ طبیعی. مجسمه سفالگر در لاله‌چین همدان و بوعلی سینا در ماهشهر و چندین مجسمه در پارک عسلویه را هم من ساختم. به تمام اینها مجسمه‌ها موزه رختشورخانه زنجان و قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد را نیز اضافه‌کنید.

■ در میان آثار شما نمونه‌های کلاسیک کنار آثار انتزاعی به چشم می‌خورند. آیا شما نسبت به هر دو سبک تمایل یکسانی دارید یا اینکه لذت هنری را تنها در یکی تجربه می‌کنید؟

خوب، مجسمه مثل سایر هنرها دوران کلاسیک خود را پشت‌سر گذاشته و در حالت تزئینی صرف خارج شده‌است. امروز باید بتوان با مجسمه حرف زد. من زمانی از کار خود بیشترین لذت را می‌برم که نتوانسته باشم از امکانات مدرن برای خلق مفاهیم جدید استفاده کنم و رد پای هویت ایرانی خود را در آن به جا بگذارم. اما این بدان معنا نیست که از انواع دیگر لذت نمی‌برم. یکی از شادترین لحظات زندگی من لحظات تدریس است. زمانی که مطلقاً کلاسیک کار می‌کنم و اصول اولیه را به هنرجو می‌آموزم. از طرفی مجسمه کارکردهای مختلف دارد؛ اگر شما بخواهید مجسمه‌های یک موزه مردم‌شناسی را بسازید چاره‌ای ندارید که کلاسیک کار کنید. این سبک هم دنیای خاص خودش را دارد.

■ کدامیک از کارهایتان را بیشتر دوست دارید؟ شیرین و فرهاد، دختری که از رودخانه برمی‌گردد و گلنار.
شیرین و فرهاد، دختری که از رودخانه برمی‌گردد و گلنار.
شیرین و فرهاد، دختری که از رودخانه برمی‌گردد و گلنار.
شیرین و فرهاد، دختری که از رودخانه برمی‌گردد و گلنار.
شیرین و فرهاد، دختری که از رودخانه برمی‌گردد و گلنار.
شیرین و فرهاد، دختری که از رودخانه برمی‌گردد و گلنار.
شیرین و فرهاد، دختری که از رودخانه برمی‌گردد و گلنار.
شیرین و فرهاد، دختری که از رودخانه برمی‌گردد و گلنار.
شیرین و فرهاد، دختری که از رودخانه برمی‌گردد و گلنار.
شیرین و فرهاد، دختری که از رودخانه برمی‌گردد و گلنار.

گلنار مجسمه‌ای از جنس فلز است که وزیری در آن از سرامیک‌های ایرانی استفاده کم‌نظیری کرده‌است. این اثر، تفسیری معطوف به خانواده‌را از زن ارائه می‌دهد؛ موجودی که از انواع دیگر لذت نمی‌برم. یکی از شادترین لحظات زندگی من لحظات تدریس است. زمانی که مطلقاً کلاسیک کار می‌کنم و اصول اولیه را به هنرجو می‌آموزم. از طرفی مجسمه کارکردهای مختلف دارد؛ اگر شما بخواهید مجسمه‌های یک موزه مردم‌شناسی را بسازید چاره‌ای ندارید که کلاسیک کار کنید. این سبک هم دنیای خاص خودش را دارد.



منبع: روزنامهٔ شرق

تکه‌های تجسمی

شغلی به نام طراحی حجاب

ایرج اسماعیل پور قوچانی

این روزها صفحات روزنامه‌ها پر بود از انواع تحلیل‌های مختلف در باب «پوشش بانوان» در حالی که این شیوه نامیدن لباس، برملاکننده نحوه تلقی ما از پوشاک به مثابه وسیله‌ای است برای پوشانیدن و نه چیزی برای پوشیدن. این نحو تلقی، پوشاک را از حقیقت خود تهی می‌کند و از پس این تهی وارگی، آن را تا مرحله‌ای مادون‌شیء فی‌النفسه (بیزار) تنزل می‌دهد و فارغ‌التحصیل رشته طراحی لباس هم که کارش خلق تن پوش است، در بازار که کارش صرفاً پوشش تن است، کاری ندارد جز اینکه حسرت به دل «فشن تی‌وی» تماشا کند و گاه‌گاهی هم برای جمع کوچک دوستانش یک فشن شوی زیرزمینی به راه بیندازد. در روی زمین خیاطان حجاب طراحی می‌کنند و طراحی، در زیرزمین، محبوب می‌شود.

■ **درزی طرار**
مولانا داستانی به نام درزی طرار دارد که در آن یک خیاط با بذله‌گویی چشم مشتری را به خنده می‌پندد تا از پس هر خنده غفلتاً گوشه‌ای از قیایش را به مقراض حيله ببرد. حالا حکایت ماست که از پس سال‌ها نسیان لباس به منزله شبثی فی‌النفسه و تنزل دادن آن تا حد ابزاری که کارش صرفاً پوشانیدن تن است، امروزه اینچنین قیای نسونمان تنگ افتاده‌است. یعنی این که این همه آرایش غلیظ و ماتوهای تن نما نه به دلیل میل به تن‌نمایی است بلکه به دلیل میل به آن زیبایی است که در تمامی این سال‌ها از پوشاک ما زده‌وه شد تا مابه‌ازای خود را در زیبایی‌های تن بیابد و حالا کمسیون هنری مجلس را بر آن داشته‌است که این آب رفته سالیان غفلت را با برپایی سالن مدهایی که به وسیله دولت حمایت می‌شوند مجدداً بر سر جوی، هدایت کند!

■ **«هنر مرده‌است»**
این شعار دادااتیست‌ها که به صورت یک پیش‌بینی پیامبرگونه بر پیشانی تاریخ هنر معاصر نشسته‌است به تعبیری بازگوکننده از دست رفتن توانایی هنر «در گذشته» برای حق‌گویی است. هنری که از «سلاحی برای مبارزه» به ابزاری برای «تزئین خانه بورژوا» تنزل یافته‌است و حالا جسد سرد و بی‌حرکتی را در ترکیب‌هایی همچون «هنرهای زیبا» به کار می‌گیرند.

اگر هنری که صرفاً در خدمت «زیباسازی» توام با ملاحظت‌های بورژواآمایشانه باشد هنری مرده‌است که هست، باید گفت که امروزه ما با مرگی مضاعف برای هنر روبه‌رو هستیم، مرگی که هنرهای زیبا را از همین حداقل حیثیت ابزاری و سودمندی خود هم ساقط می‌کند. تولید هنری به نفع پائین آوردن قیمت تمام‌شده آنچه که زمانی قرار بود زیبا هم باشد کنار می‌رود و جای خود را به عقلانیتی زبیرنامه می‌سپارد.



به این ترتیب است که احساس عدم نیاز به طراح لباس، تمامی وظیفه خطریر بسته‌بندی اندام‌های انسانی را می‌سپارد به دست خیاطانی که عقلانیت امروز به آنها حکم می‌کند که «تنگ بالا بهر جسم آرای را/ زیر و اسع تا نگیزد پای را/ . . .»

■ **فقس تن**
در ادیان ابراهیمی امر متعالی تنها از پس نفی این تن خاکی رخ می‌نماید و لذا برخلاف روش‌هایی مانند روش‌های تاتاریک در هند تنها راه رسیدن به تجربه استعلائی یا Transcendental، «مدیتایی فردی به مقدار قابل ملاحظه‌ای کف نفس و چشم‌پوشی از تمثیات تن خاکی است و این چشم‌پوشی در هر جایی که احتمال وقوع تجربه استعلائی بیشتر باشد مانند کلیه مکان‌های مذهبی از جمله کلیساها و کنیسه‌ها و مساجد و . . .

بیشتر خود را از امری اخلاقی به الزامی حقوقی مبدل می‌کند و بدین ترتیب هر شرعیتی درست به موازات بسط روش‌های مراقبه، از نحوه پوشش مشارکت‌کنندگان در مراسم خود، مراقبت می‌کند. در دین مسیحیت، از پی زین‌سنان و همچنین از پی مبدل شدن تدریجی دین به نوعی عرفان شخصی، این حیطه قدرت نظاره‌گری به اندازه مساحت وایتاکن محدود شده‌است اما به هر حال وجود دارد چون شرط از خود به در شدن در این مکان قدسی، رهایی از دام تنی است که ممکن است «خوار جان شود در فریب داخلان و خارجان.»

فارغ از آنکه سماع‌زن‌های قرنیه رم هم تا چه حد در نسبت تقلیبی با اندیشه مولانا جلال‌الدین بلخی باشند باید گفت که طراحی لباس آنها به گونه‌ای است که در هنگام چرخش تن و به‌زعم آنها سماع، دو مثلث نوک به نوک را تشکیل می‌دهد، ترکیبی گرافیکی که به خوبی حمل‌کننده تلقی اندیشه اسلامی از جدال درونی‌جان و تنی است که یکی رو به بالا دارد و دیگری سر به زیر و آدمی که مرکز ثقل این مجادلات در عالم است لذا در این مراسم لباس مشارکت‌کنندگان از قید لباس بودن خلاص شده و به «نشانه» مبدل می‌شود و همچنین است مقوله حجاب اسلامی بانوان مسلمان که خود را از خود جمع بسته شدن کلمه ششون در آن گیر بدهد: «رعایت شئونات اسلامی در این مکان الزامی است.»

خلاصی داده‌است و همچنین است این جمله تاکیدی و الزام‌آوری که تقریباً در تمامی اماکن عمومی ما یافت می‌شود و آن قدر نشانه‌ای شده‌است که خود را از قید زبان و زیبایی‌های آن خلاص کرده‌است و لذا خود کلمات آن، دیگر آن قدر شأن ندارند تا کسی به دو بار جمع بسته شدن کلمه ششون در آن گیر بدهد: «رعایت شئونات اسلامی در این مکان الزامی است.»

^[1] این شیوه نامیدن لباس، برملاکننده نحوه تلقی ما از پوشاک به مثابه وسیله‌ای است برای پوشانیدن و نه چیزی برای پوشیدن